



نقش مدیریت زمان در به هنگام سازی پروژه های عمرانی

دکتر میرعلی محمدی^۱، نادر صولتی فر^۲

۱- عضو هیأت علمی دانشکده فنی دانشگاه ارومیه

۲- دانشجوی کارشناسی مهندسی عمران دانشگاه ارومیه

پست الکترونیکی: solatifar@gmail.com

خلاصه

کاهش در زمان اجرای پروژه ها از مهمترین چالش های مدیریت ساخت می باشد. در کشور ما بعد از انقلاب جهش قابل ملاحظه ای در ساخت پروژه های عمرانی ملی صورت گرفته است. با این حال علی رغم افزایش تعداد پروژه های در دست اجرا و یا به بهره برداری رسیده، مشکلی که گریبان گیر این نوع پروژه ها می باشد، عدم شروع، اجراء و بهره برداری از آنها در موعد مقرر و طبق برنامه زمانبندی می باشد. این تاخیرات ضمن اینکه باعث افزایش هزینه ساخت و کاهش کیفیت آنها می گردد، در مواردی چنان زیاد می شود که طرح را از حالت اقتصادی خارج می کند. این مقاله ضمن تعریف مباحث اولیه مدیریت زمان، به نقش و جایگاه مدیریت زمان در بروز تاخیرات و ارائه راهکارهای لازم جهت رفع آنها می پردازد.

کلمات کلیدی: مدیریت زمان، هزینه، مدیریت پروژه، برنامه ریزی، پروژه های عمرانی.

۱. مقدمه

در تمام پروژه های علمی و فنی، زمان رسیدن به هدف، معمولاً یکی از مهم ترین مسائلی است که به طور جدی مورد توجه دست اندرکاران آنها قرار می گیرد. اصولاً پروژه های که در زمان مورد نظر نتواند به بهره برداری برسد و نقایص موجود در یک سیستم فنی یا اجتماعی را به واسطه موجودیت به موقع خود نتواند رفع کند، پروژه چندان موفقیتی به نظر نمی رسد. هر چند که شاید تنها با تأخیر زمانی آماده سازی پروژه، نتوان کلیه اقدامات و تلاش های مرتبط با آن را بی نتیجه و کم اثر جلوه داد. به همین ترتیب نمی توان با تکیه به همان روش قبل، امید به موفقیت در پروژه های آینده داشت. اما زمانی که سخن از عامل زمان به میان می آید، اولین مسئله ای که به ذهن خطور می کند این است که منظور از پیش کشیدن چنین چیزی، یادآوری محدودیت های اجرایی پروژه از لحاظ تأمین منابعی چون نیروی انسانی و بودجه است؛ چرا که قطعاً در هنگام برآورد ملزومات یک پروژه، مسائلی نظیر تخصیص بودجه و نیروی متخصص برای انجام کار، طبق یک روال و قاعده مشخص و با در نظر گرفتن و تخمین زمان اجرای پروژه انجام می گیرد. بنابراین در مرحله نخست همه تصور می کنند که اگر ناظران پروژه یا مدیریت رده بالای آن نسبت به برآورده شدن زمان تحویل پروژه اصرار می ورزند، منظورشان گوشزد کردن این نکته است که پروژه مذکور از لحاظ وسعت کار، محدود و مشخص است و مجریان بنا به تشخیص خود تغییرات چندانی در منابع یا مقاصد آن نمی توانند ایجاد کنند. بنابراین در صورتی که بنا به دلایلی زمان انجام آن به درازا بکشد، تضمینی برای تخصیص بودجه اضافی برای جبران زمان های اضافی وجود ندارد [۱].

از این رو، عامل زمان به نوعی مفهوم مهلت را پیدا می کند و تبدیل به ابزاری برای خط و نشان کشیدن کارفرمایان برای مجریان می شود. اما در بسیاری موارد، توجه به عامل زمان دلایل خاص دیگری دارد که تنها به محدودیت منابع مربوط نمی شود. بسیاری از پروژه ها و مؤسسات بزرگ تجاری برای پروژه های کوچک و نه چندان هزینه بر، نه محدودیت نیروی انسانی و نه محدودیت مالی دارند. همچنین برخی پروژه ها به دلیل نداشتن اهمیت حیاتی، دارای بازه زمانی مناسبی برای اتمام کار هستند. بنابراین به نظر می رسد در این گونه موارد، قاعدتاً باید زمان از لحاظ اهمیت حداقل در درجه اول قرار نداشته باشد. اما وقتی به عملکرد پروژه های موفق در این زمینه می نگریم، متوجه می شویم که ظاهراً این گونه پروژه ها همچنان تأکید زیادی بر